

چرخه فرهنگ، چرخه حیات

شکوه حاجی نصرالله

در این نوشتار، نگاهی می‌اندازیم به ادبیات کودکان برای فرهنگ‌های گوناگون ساکن در سرزمین ایران و نقدی داریم بر مجموعه «گندموکی می‌خوره؟» که برای کودکان ۴ تا ۹ ساله، به چهار زبان فارسی، کردی، ترکی آذری و عربی منتشر شده است.

ادبیات کودکان ایران به زبان‌هایی چون کردی، ترکی آذری و دیگر زبان‌ها و گویش‌های اقوام گوناگون ایرانی نوشته شده است؛ متأسفانه در کتاب‌های درسی، چه در متن و چه در تصویر، توجهی به گوناگونی فرهنگ در ایران نمی‌شود. برای نمونه، به کتاب فارسی اول و دوم دبستان که در سال‌های اخیر تغییر یافته، مراجعه می‌کنیم. در این دو کتاب نیز توجهی به کودکان ایران، با قومیت‌ها و مذاهب گوناگون نشده است.

بی‌توجهی به قوم‌های ایرانی و اقلیت‌های مذهبی و حتی زنان در ادبیات کودکان ایران، به هویت‌شناسی مخاطبینی که در این گروه‌ها وجود دارند، آسیب جدی می‌زند. می‌دانیم که هویت پدیده‌ای است که شخصیت اجتماعی مخاطب را در جامعه می‌سازد و نوعی وحدت و انسجام به هستی و عمل او می‌بخشد. هویت، هم از نظر اجتماعی و هم از نظر روانی، ضروری است. هویت به ثبات روانی مخاطب کمک می‌کند و شرط اساسی رشد شخصیت اوست. هویت شرط لازم و ضروری برای کارکرد اجتماعی مخاطب با محیط خود به شمار می‌آید. هویت ملی، قومی، مذهبی،

سرزمین ایران، براساس روابط و پیوندهای قومی و فرهنگی میان اقوام گوناگون، در گستره تاریخ و پیش از تاریخ شکل گرفته است. ایران زادگاه بسیاری از آداب، آیین‌ها و باورهای «کهن الگوی» قومی است. فرهنگ مردمی این کشور، به سبب ویژگی‌های تاریخی، جغرافیایی، زبان و حضور اقوام گوناگون، از غنایی خاص برخوردار است. متأسفانه، باید بگوییم گرد و غبار زمان، این میراث‌گران‌بها را پوشانده و رویدادهای سهمناک، ضربه‌های بسیار به آن زده است. با این همه، مردم ما تا آن‌جا که توانسته‌اند، این گنجینه را در سینه خویش حفظ کرده و به ما رسانده‌اند. از این رو، فرهنگ اقوام گوناگون ایرانی، بیش‌تر قالبی شفاهی دارد تا نوشتاری و فقط بخش کوچکی از آن مکتوب شده است.

هویت چیست؟ تفاوت‌های فرهنگی کدامند؟ جایگاه حضور فرهنگ‌های گوناگون در ادبیات کودک چیست؟ آیا داستان‌هایی در ادبیات کودکان ایران وجود دارد که شخصیت محوری آن‌ها، به یکی از گروه‌های قومی و دینی ساکن در سرزمین ایران اختصاص داشته باشد؟ آیا داستان‌هایی در

درصد مردم جهان، آب آلوده می‌آشامند؟ آیا می‌دانید در هر سال ۵۰۰ میلیون نفر بر اثر آشامیدن آب آلوده، مریض و بستری می‌شوند؟ آیا می‌دانید در هر سال ۵ میلیون کودک با نوشیدن آب آلوده می‌میرند؟ آیا می‌دانید ۲۵ درصد از تخت‌های بیمارستان‌های کشورهای عقب‌مانده، به بیماری‌های اختصاص دارد که بر اثر آشامیدن آب آلوده بستری شده‌اند؟ آیا می‌دانید بر اثر آلودگی آب، سالانه میلیون‌ها آبزی و پرنده می‌میرند؟ آیا می‌دانید در کشور ما، سالانه حدود ۲۹



میلیارد متر مکعب پساب صنعتی، شهری و کشاورزی به منابع آب زیرزمینی و سطحی وارد می‌شود؟ در این پساب‌ها انواع آلاینده‌ها وجود دارد که عامل اساسی آلودگی منابع آب است. آیا می‌دانید در حال حاضر، در نیمی از شهرهای کشور ما ایران، موضوع فاضلاب مشکل حادی شده است؟ آیا می‌دانید فاضلاب بسیاری از شهرها و مناطق مسکونی در کشور ما ایران، به طور مستقیم و یا از طریق رودخانه به دریا می‌ریزد؟ نمونه، فاضلاب شهرهای شمالی که به دریای مازندران و فاضلاب شهرهای آذربایجان شرقی و غربی که به

جنسیتی و... شکل‌هایی از انواع متعدد هویت اجتماعی‌اند که با حذف آن‌ها از ادبیات کودکان، در واقع به این بخش از شخصیت اجتماعی کودکانی که در مناطقی از سرزمین ما زندگی می‌کنند و دارای قومیت، مذهب و یا حتی جنسیت متفاوت هستند، آسیب جدی زده می‌شود.

کتاب «گندمو کی می‌خوره؟»^(۱)، از مجموعه کتاب‌های سبز، با هدف آموزش حفظ محیط زیست^(۲)، برای کودکان گروه سنی پیش از دبستان و سال‌های اول دبستان نوشته شده است. این کتاب به زبان فارسی نوشته و به سه زبان کردی، ترکی آذری و عربی ترجمه شده است^(۳) و فضای زندگی مردم کرد، ترک و عرب ایرانی، در تصاویر آن مشاهده می‌شود.

مجموعه «گندمو کی می‌خوره؟» رخداد قابل توجهی در حوزه ادبیات کودک ایران است؛ زیرا پدیدآورندگان این اثر، گوناگونی فرهنگ در سرزمین ایران را مورد توجه قرار داده‌اند. از سوی دیگر، با توجه به موضوع حفاظت محیط زیست و بی‌اعتنایی به آموزش و آگاهی در این خصوص، از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. گفتنی است که کتاب‌های با موضوع محیط زیست، بیش‌تر در گروه کتاب‌های اطلاعاتی^(۴) قرار دارد که عموماً ترجمه‌اند و به گروه سنی سال‌های آخر دبستان و راهنمایی اختصاص دارند. بنابراین، این مجموعه اولین کتاب تألیفی است که برای گروه سنی پیش از دبستان و سال‌های اول دبستان، با موضوع محیط زیست تهیه شده است. از این رو، می‌توان گفت که این حرکت نو، قابل تقدیر است و به یقین، چون هر کار تازه‌ای ضعف‌هایی دارد.

کتاب «گندمو کی می‌خوره؟» روایتگر داستان غم‌انگیز آلودگی آب است. آیا می‌دانید هفتاد و پنج

دریاچه ارومیه می‌ریزد. این فاضلاب با کشتن موجودات آبی، سبب برهم خوردن زنجیره غذایی و تعادل حیاتی آب و طبیعت می‌شود. این آب آلوده دیگر برای انسان و آبزیان قابل استفاده نیست و باید با صرف هزینه زیاد تصفیه شود تا بتواند دوباره در چرخه آب، به گردش درآید. بدین‌سان، عدم اجرای طرح فاضلاب در کشور ما ایران، جامعه را دچار مشکلات بسیار حادی کرده است.

ایا این تصاویر واقعی، در زندگی کودک جای دارد؟ آیا کودک نباید بداند چه بر سر زمین می‌آید؟ جایگاه این تصاویر، در ادبیات کودک چیست؟ به نظر می‌آید که برای رهایی زمین از فعالیت‌های مخرب انسانی، می‌توانیم با استفاده از ادبیات، الگوهای مهربانانه زندگی کردن با زمین را به کودکان آموزش دهیم. برای حل مشکلات زیست محیطی، فردا بسیار دیر است و بایستی از امروز شروع کرد.

نویسنده، تصویرگران و ناشر این اثر، با توجه به این معضل حاد در جامعه انسانی و به ویژه در جامعه خودمان، به‌طرح‌ریزی این کتاب پرداخته‌اند. نویسنده براساس ترانه فولکوریک «گندمو کی می‌خوره؟»^(۵) قصه آلودگی آب را بازسازی کرده است. ترانه‌های عامیانه، بخشی از فرهنگ عامیانه است که صادق هدایت، به آن‌ها نام «اوسانه» داد. نام سراینده این ترانه‌های عامیانه مشخص نیست. هم‌چنین سرچشمه‌های به کلی متفاوتی دارند و مضمون و اهداف‌شان هم بسیار متنوع است. مثلاً برای ابراز عشق، دست انداختن کسی، لالایی یا نوازش کودک، برای قصه‌گویی یا آغاز کردن و پایان دادن به قصه‌ها، برای بازی و سرانجام به عنوان شعر و تصنیف به کار گرفته می‌شوند. چنان‌که می‌دانیم، این ترانه‌های عامیانه در گذر زمان، دستمایه هنرمندان شده‌اند. برای

مثال، احمد شاملو موفق شده است با استفاده از وزن، شکل و روح و مضمون ترانه‌های عامیانه، اثری ادبی چون شعر «پریا» را به وجود آورد.

مهرنوش ضیاءشهبابی نیز با توجه به وزن ترانه «گندمو کی می‌خوره؟» و با توجه ویژه به زبان عامیانه، این قطعه را تدارک دیده است. او از قافیه برای هماهنگی صوتی، در این قطعه بهره برده است. نمونه «آبه و پیغه و پیغه و آبه» (گندم و موشه و موشه و گندم)، یعنی در واقع قافیه اصلی گزاره «پیغه رو کی می‌خوره؟» در این بخش‌ها تکرار شده و به همین دلیل، نوعی هماهنگی صوتی به وجود آمده است. به طور کلی، می‌توان گفت که او با استفاده از قانونمندی‌های قافیه در ترانه‌های عامیانه، به این هماهنگی دست یافته است.

درونمایه اصلی این ترانه - قصه، محیط‌زیست با موضوع آلودگی آب است. موضوع‌های فرعی نیز توصیف زنجیره غذایی و وابستگی عناصر زنجیره به هم است. چنان‌که مشاهده می‌شود، نویسنده مفاهیمی دشوار چون آلودگی آب و زنجیره غذایی را در قالبی ساده و کودکانه طرح کرده است.

این کتاب از موضوعی برای کودک سخن می‌گوید که کودک، هنوز آن را تجربه نکرده است. کودک به طور کلی در زندگی روزانه می‌بیند که همه افراد پیرامونش، پیوسته می‌کوشند محیطی را که نام آن خانه است، تمیز نگه دارند، اما آنان از پیاده‌روها، جوی‌ها، کناره‌های جاده کثیف، بدون هیچ‌گونه عکس‌العملی می‌گذرند. کودک می‌بیند که در صورت ریختن آشغال در خانه، بر سر او فریاد کشیده می‌شود، اما در سفری به خارج از شهر، انواع زباله، از جمله ظروف نوشابه، پلاستیک و ته‌مانده سفره، بدون هیچ‌گونه حساسیتی دور انداخته می‌شود. به این ترتیب، آب و زمین کثیف و

و می آموزد چگونه آلودگی آب سبب آسیب به گیاه، جانور و انسان می شود. نویسنده با استفاده از ویژگی ترانه - قصه، مخاطب کودک را به شنیدن روایت خود وامی دارد و به رشد زبانی او یاری می رساند.

ارتباط مضمون و فرم

مضمون در این اثر، آلودگی آب و حرکت آلودگی در زنجیره غذایی است. در این طرح، براساس آن چه در زندگی واقعی رخ می دهد، آلودگی آب بر اثر فعالیت های انسان در آب آغاز می شود. آلاینده



همراه فاضلاب، به داخل آب های سطحی، از جمله رودخانه می ریزد و در زنجیره های غذایی گوناگون، در مرحله اول به تولیدکنندگان زنجیره غذایی، یعنی گیاهان و از آن جا به مصرف کنندگان گروه اول، یعنی جانوران و سپس به مصرف کنندگان گروه دوم، یعنی انسان می رسد و در این حرکت دایره ای شکل، به تمامی عناصر موجود در زنجیره آسیب می زند.

مضمون در این اثر، با استفاده از قالب تکرار شونده در ترانه های موجود در فرهنگ عامیانه، تقویت شده است. نمونه در ترانه هایی مثل «تو که

گیاه نابود می شود، ولی این پدیده ها برای همگان امری عادی است. در حالی که در این طرح، پدیدآورندگان کتاب، خلاف آن چه در پیرامون کودک ایرانی رخ می دهد، از او می پرسند: با ریختن آشغال به رودخانه، چه اتفاقی می افتد؟

روایت شامل دو صحنه مجزا از هم است. در صحنه اول، نازنین، عروسکی پارچه ای، با موجود عجیبی آشنا می شود، خودش را به او معرفی می کند و از او اسمش را می پرسد. موجود عجیب و غریب می گوید که اسم ندارد، ولی می داند از کجا می آید. او از چاه فاضلاب آمده است. به همین دلیل، نازنین اسم او را پیف می گذارد. پیف، نام آوایی است که در زبان کودکان ساخته شده است. نویسنده با توجه به شگرد آشنایی زدایی شخصیتی و کنشی و تأثیر آن بر کودک، به خلق شخصیت پیف و مناظره او با عروسک مخاطب دست یافته است. در صحنه دوم، پیف که همراه شرشر آب فاضلاب وارد رودخانه شده است، با خوشحالی آواز می خواند. نویسنده در صحنه دوم روایت، از نثر کلیشه ای موجود گریخته و با استفاده از ترانه ای گرفته شده از فرهنگ عامه (گندمو کی می خوره؟) که برای کودک آشناست، قالب را طرح ریزی کرده:

پیفه رو کی می خوره؟

پیفه رو آب می خوره.

آبه و پیفه و پیفه و آبه

بعد از این دیگه کار خرابه

آبه رو کی می خوره؟

آبو ماهی می خوره

پیفه و آبه و آبه و ماهی

لحن بازی گونه در این ترانه، با هنجار گریزی از زبان معیار و اتکا بر آهنگ به وجود آمده است. در این قالب، کودک از ریتم کلمات و جملات لذت می برد

ماه بلند در هوایی»^(۶) (... تو که سبزه شدی سر درآوردی / منم بزی می شم سر تو می برم / تو که بزی شدی سرمو چیدی / منم قصاب می شم سرتو می برم / تو که قصاب شدی سرمو بریدی / منم شیشه می شم اون جا می شینم /...) و در مثل هایی چون «دویدم دویدم» (... نونو خودم خوردم / آبو دادم به زمین / زمین به من علف داد / علفو دادم به بزی / بزی به من پشکل داد. /...) و «کک به تنور»^(۷) (... آب گل آلود، درخت برگ ریزون، کلاغ پر ریزون، مور خاک به سر، کک به تنوره...) و روایت «ای زاغ ای زاغ من به تو چه کرده بودم» (... / درخت به تو برگ داد / برگ داده بودی به گوسفند / گوسفند به تو شیر داده بود / شیر را به مادر بزرگ داده بودی / مادر بزرگ برای تو کلوچه درست کرده بود / کلوچه را به ملا داده بودی / ملا به تو درس داده بود / درس را به خدا داده بودی / خدا به تو عمر داده بود / به مادر بزرگ هم مرگ داده بود)^(۸) و گنجشکک اشی می شی (... / نقاش باشی می گیردت / سلاخ باشی می کشدت / فراش باشی می بردت / آشپز باشی می پزدت /...) ^(۹) است. این ترانه ها و مثل ها، روایت های گوناگونی در زبان ها و گویش های محلی دارند. در تمام این روایت ها، از طریق یک رابطه علت و معلولی ساده و زنجیره ای، چرخه کوچکی از هستی تصویر می شود. در این چرخه تولد، مرگ، موفقیت و... به سادگی بیان می شود. بدین سان، مخاطب کودک از طریق تکرار واژه ها و کنش ها، با ساخت زبانی آهنگین و بازی گونه آشنا می شود.

نویسنده ترانه - قصه «گندمو کی می خوره؟» نیز با استفاده از این فرم زنجیره ای، از طریق یک رابطه علت و معلولی ساده، به بیان زنجیره غذایی و حرکت آلاینده در آن پرداخته است. هم چنین با

بهره گیری از قالب بازی گونه که در ساخت زبانی ویژه ترانه - قصه به دست می آید، توانسته تا آن جا پیش برود که به روشنی به مخاطب بگوید که این آلودگی، حتی سبب خراب شدن حال نازنین می شود. انتخاب این ساخت، یعنی چرخش جاوید مواد، مبادله اشیا و عناصر که در بسیاری از ترانه های عامیانه دیده می شود، هماهنگ با مضمون اثر، یعنی حرکت آلاینده در چرخه حیات است. بنابراین، الگوی دایره برای روایت ماجرا در نوشتار و تصویر، انتخاب مناسبی بوده است. این فرم دایره ای شکل، با مفهوم پیچیده و دشوار زنجیره غذایی و حرکت آلاینده در آن هماهنگی دارد.

بدین سان، مخاطب می آموزد که انداختن هرگونه ماده زائد و آلاینده در آب، به تمامی موجودات زنده اعم از گیاه، جانور و خود او آسیب می رساند. می توان گفت که طرح این موضوع، سبب رشد شناختی مخاطب می شود و همین رشد شناختی است که به رشد اجتماعی کودک می انجامد. زیرا او درمی یابد که همین حرکت ساده، یعنی انداختن هرگونه آشغالی در درون آب رودخانه، می تواند برای گیاهان، جانوران و آدمیان دیگر و هم چنین اکوسیستم آبی بسیار زیان آور باشد.

روایت ترانه - قصه «گندمو کی می خوره؟» تعلیق زاست. عنصر تعلیق از عنوان کتاب «گندمو کی می خوره؟» آغاز می شود. در صحنه اول این ترانه - قصه، عنصر تعلیق با حضور موجود عجیب و بی نام در برابر نازنین، پدیدار می شود. مخاطب می خواهد بداند این موجود کیست؟ به همین دلیل، به دنبال قصه کشانده می شود. در صحنه دوم، با طرح پرسش «پیغه رو کی می خوره؟»، «ماهی رو کی می خوره؟»، «آبه رو کی می خوره؟»، علفو کی می خوره؟» و... عنصر تعلیق تا انتهای ترانه - قصه

ادامه می‌یابد.

پایان در این ترانه - قصه باز است. در این طرح باز، نویسنده هشدار می‌دهد درباره واقعیتی حیاتی در زندگی امروزی انسان داده است و در واقع طرح تعلیق‌زای قصه، هم‌چنان ادامه می‌یابد.

تصویر

چهار اثر «گندمو کی می‌خوره؟»، «کی گه نمه کان ته خوا؟»، «بوغدانی کیم ییه جک؟» و «یا هو ناکل الحنته؟»^(۱۰) هر کدام به صورت جداگانه، با توجه به فرهنگ مخاطبان کتاب تصویر شده‌اند. تصویرگر با استفاده از تکنیک کلاژ و استفاده از ابزار و وسایل پیرامونش، به ساخت تصاویر پرداخته است. او مخاطب را به دنیای کودکی خود می‌برد؛ به روزگاری که مادر برای کودکش عروسک پارچه‌ای درست می‌کرد و با کمک همان عروسک، برای کودکش داستان می‌گفت. مادر با عروسک، آن چه را در نظر داشت، به کودکش می‌گفت. در قصه، عروسک گاه نوازش، گاه توبیخ و حتی تنبیه می‌شد. این گونه بود که مادر با حفظ ارتباط عاطفی خود با کودک، به طور غیرمستقیم، آن چه را در نظر داشت، به کودک می‌گفت.

تصویرگر در سه کتاب فارسی، کردی و عربی، با نگاهی نو به اشیای پیرامونی خود جان داده است. او عروسکی پارچه‌ای را با سوزن و نخ و قیچی و پارچه و حس درونی‌اش شکل داده است. ساخت عروسک و در نظر گرفتن آن به عنوان شخصیت اصلی، سبب فاصله‌گذاری مخاطب با شخصیت ترانه - قصه می‌شود. در واقع ترانه - قصه آلودگی آب، چون نمایش عروسکی است که به کودک هشدار می‌دهد و می‌گوید اگر آب آلوده شود و آن آلودگی به تو سرایت کند، تو هم مثل

عروسکت مریض می‌شوی.

بدین سان، دو عامل استفاده از عروسک و قالب آهنگین و بازی‌گونه ترانه - قصه، سبب شده است این واقعیت بسیار دردناک (آلودگی محیط زیست) که انسان امروزی و محیط زندگی او را مورد تهدید قرار داده است و اقدام و عمل همگان را می‌طلبد، برای کودکان نیز باز گفته شود تا شاید از کودکی، نقشی در ذهن وی برای حفاظت از محیط زیست شکل گیرد.



سبک فردی تصویرگر

تصویرگر در تصویرسازی دو کتاب فارسی و کردی، از دو سبک واقع‌گرا و انتزاعی بهره‌برده است. تصویرگر با این روش، پلی میان دو دنیای واقعی و تخیلی می‌زند. بنابراین، سبک در تصویرسازی این کتاب‌ها، بیانی بازی‌گونه پیدا کرده است و بر محور بازی رفت و برگشت کودک از دنیای واقعیت به دنیای خیال و برعکس، بنا شده است. از سوی دیگر، سبک تصویرگر، یعنی تنوع در هر صفحه نسبت به صفحه بعدی، حساسیت ذهنی مخاطب را تحریک می‌کند و به ترکیب دو دنیای واقعی و تخیل در هم و تقویت مضمون اثر منجر می‌شود.

گفتنی است که تلفیق این دو سبک، با قالب ترانه - قصه، یعنی بازی و واقعیت هماهنگی دارد.

سبک فردی تصویرگر در این اثر، با استفاده از تلفیق دو سبک واقع‌گرا و انتزاعی، با هدف ساخت دنیای ایده‌آل مخاطب و انتخاب تکنیک کلاژ با استفاده از ابزار و وسایل پیرامونی کودک، چون اسباب‌بازی و به ویژه ساخت عروسک پارچه‌ای به وجود آمده است. اشیای پیرامونی تصویرگر، برای او تداعی‌کننده حس و حال‌های گوناگونند. طاهره تابان، تصویرگر این اثر، در طراحی‌های گرافیک و عکاسی‌هایش و هم‌چنین در انیمیشن، از همین زاویه به اشیای پیرامونی نگاه می‌کند. نمونه در نمایشگاه جوراب‌ها، جوراب‌ها دارای کاراکترهای انسانی‌اند و در انیمیشن جوراب‌ها، جوراب‌ها زندگی لبریز از درد و اندوه انسانی را تصویر می‌کنند.

تصویرگر، مضمون ترانه - قصه «گندمو کی می‌خوره؟» را در قالبی نو و به دور از هرگونه تزیین فریبنده که سبب تنزل سلیقه کودک می‌شود، به تصویر درآورده است. اگرچه تصویرگر برای رسیدن به سبک ویژه خود، از توانمندی‌های مبانی تصویرسازی به خوبی بهره برده، تکنیک انتخابی او فقط ابزاری است در دستش تا نگاه‌اورا نشان دهد. با وجود این‌که طاهره تابان در این اثر، چون دیگر آثار تصویری برای کودک، متعهد به رعایت متن بوده است و به عبارتی بایستی معنایی از پیش تعیین شده را تصویرگری می‌کرده، توانسته است امضای فردی خود را با ساخت عروسک و جایگزینی آن به عنوان شخصیت ترانه - قصه نویسنده، پای تصویرهایش حک کند.

ترکیب‌بندی متن و تصویر

نوشتار^(۱۱) لابه‌لای تصاویر حرکت می‌کند تا

شاید بتواند بخشی از اکسپرسیون موجود در اثر را به مخاطب منتقل می‌کند. به عبارتی دیگر، حرکت خطوط در لابه‌لای تصاویر، هماهنگ با آهنگ متن است. شاید بتوان گفت که این تصویر تجریدی ساخته شده از نوشتار در صفحه کتاب، در انتقال ریتم به صورت تجریدی نیز مؤثر است. گفتنی است که کودکان پیش از دبستان که سواد خواندن ندارند، نوشتار موجود در کتاب، فضاهای سپید، مکث و سکون‌ها را به عنوان یک تصویر دریافت می‌کنند. از سویی دیگر، آرایه متن هماهنگ با ریتم موجود در متن که دور از ریتم زنجیره غذایی نیست، این مضمون را تقویت کرده است. بنابراین، می‌توان گفت که تصویرگر با استفاده از کمپوزیسیون، کوشیده مخاطب را به مضمون اصلی اثر توجه دهد.

گفتنی است که در صحنه اول ترانه - قصه، یعنی گفت‌وگوی نازنین و پیف، وجود نشانه‌های فلش در متن، گیج‌کننده و غیرضروری به نظر می‌رسد. تصویرگر سعی کرده است با استفاده از کنتراست محو و واضح، کنتراست تیره و روشن و کنتراست اندازه، حال‌وهوای موجود در متن را به مخاطب منتقل کند. در کنار اولین تصویر کتاب فارسی، در متن عبارت «سلام سلام» را داریم. مخاطب کتاب نمی‌داند کیست که به او سلام می‌کند. تصویرگر نیز هماهنگ با متن، با استفاده از کنتراست تیره و روشن، به این ابهام انرژی بخشیده است. از سویی دیگر، او با استفاده از کنتراست محو و واضح، ابهام موجود در واژه سلام را معنا بخشیده است.

در تصویر دوم، هماهنگ با متن، ابهام به وضوح تبدیل شده است؛ عروسکی به نام نازنین به مخاطب معرفی می‌شود. با این‌که نازنین عروسک است، ولی با استفاده از عنصر Body language

وجود ندارد، بلکه با مکان به مفهوم تجریدی روبه‌رو هستیم. در حالی که در کتاب کردی، مکان واقعی است و امکان ارتباط‌گیری مخاطب کرد زبان با اثر، آسان‌تر انجام می‌شود.

در تصویر ششم، با استفاده از کنتراست فضاهای منفی و مثبت، پیف در آب دیده می‌شود. در تصویر هفتم، با استفاده از کنتراست محو و واضح، حرکت آلاینده در آب و آثار آن بر محیط زیست نمایش داده شده است. در این تصویر، عروسک مخاطب، یعنی نازنین که حالش خراب



است، محو شده و ماهی به وضوح دیده می‌شود. تصویر هشتم، سه عنصر از زنجیره غذایی، یعنی تولیدکنندگان (گیاهان)، مصرف‌کنندگان گروه اول (ماهی) و مصرف‌کنندگان گروه دوم (انسان) و تأثیر آلودگی آب بر آن‌ها را نشان می‌دهد.

در تصویر نهم، مصرف‌کنندگان گروه اول که از گیاهان تغذیه می‌کنند، دیده می‌شوند. تصویر بزرگ هم یادآور خاطره مادر بزرگ است که با گل سفال، برای کودکش اسباب‌بازی می‌سازد. این جانور در کمپوزیسیون افقی قرار گرفته است. هم‌چنین، قرار گرفتن علف در کمپوزیسیون افقی،

زبان بدن)، دارای فردیت شده است. نازنین کیست؟ در کتاب فارسی، او دختری شیطان است. در کتاب کردی، دختری محبوب و ساکت است، اما پوشش او به جز سربند که در هویت کردی وی بسیار تعیین‌کننده بوده، کردی نیست و این در واقع، نقص تصویر در کتاب کردی است. تغییر شخصیت عروسکی ترانه - قصه، در کتاب ترکی آذری و تبدیل آن به دختری زنده، به ساخت کتاب ترکی آذری و کارکرد آن آسیب وارد کرده است.

در تصویر سوم، دو موجود جدا از هم، یعنی عروسک و پیف، در دو کادر جداگانه در حال گفت‌وگو رودررو قرار داده شده‌اند. تصویرگر، فیگور پیف را در کتاب‌های کردی، ترکی آذری و عربی با استفاده از کنتراست تیره و روشن و اندازه، معرفی کرده است. در حالی که فیگور پیف در اولین تصویر کتاب فارسی، به سبب همراه شدن آن با صندلی و عدم وجود کنتراست رنگ، از وضوح کافی برخوردار نیست.

در تصویر چهارم، هماهنگ با متن، تصویرگر با استفاده از کنتراست روشن و تیره و استفاده از فضای منفی و مثبت، به معرفی پیف می‌پردازد. در این تصویر، فضای صحنه به دو بخش روشن (فضای منفی) و تیره (مکان زندگی پیف، فضای مثبت) بخش شده است. تأکید بر چشم‌های پیف و سنگینی رنگ تیره، به خوبی از عهده معرفی پیف (هماهنگ با متن) برآمده است.

در تصویر پنجم، پیف در آب رودخانه آواز می‌خواند و نماد انتزاعی از خانه‌ها، با چشم‌های نگران، پیف را دنبال می‌کند. این تصویر در کتاب کردی، با استفاده از کلاژ عکس، عکسی از روستاهای کردستان تغییر یافته است. گفتمنی است که در کتاب فارسی، مکان ملموس و تجربی

تداعی‌کننده فرم چهره‌پایان است.

تداوم زندگی به مخاطره می‌افتد. به بیانی دیگر، کاراکتر رنگ گرم و سرد و ارزش عاطفی آن‌ها، خط قصه را در تصویر معنا بخشیده است.

منابع

احمد پناهی، محمد: ترانه و ترانه‌سرایی در ایران: سبوری در ترانه‌های ملی ایران، تهران: انتشارات سروش، ۱۳۷۶.

گردآوری و کیلیان، سیداحمد: مثل‌ها و افسانه‌های ایرانی، تهران: سروش، ۱۳۷۷.

نودلن، پری: سبک به مثابه معنا، ترجمه امیر ابراهیمی، ثمیلا، پژوهشنامه، شماره ۲۵، تابستان ۱۳۸۰.

هنری ماسن، پاول و دیگران: رشد و شخصیت کودک، ترجمه مهشید یاسایی، تهران: نشر مرکز و کتاب ماد، ۱۳۸۰.

پی‌نوشت

۱. ضیاءشهبایی، مهرنوش: گندمو کی می‌خوره؟ تصویرگران: طاهره محبی تابان و هومن قدرت‌نما، تهران: انتشارات فنی ایران (کتاب‌های سبز)، ۱۳۸۲.

۲. انتشارات فنی ایران، با هدف ترویج حفاظت محیط زیست، کتاب‌هایی با عنوان «کتاب‌های سبز»، برای کودکان و نوجوانان منتشر می‌کند که در حال حاضر، بیش‌تر این کتاب‌ها در دو عنوان «غیرداستان - دانش اجتماعی» و «غیرداستان - علوم تجربی» قرار می‌گیرد.

۳. تاکنون کتاب فارسی، کردی منتشر شده و کتاب ترکی آذری و عربی زیر چاپ است.

4. Nonfiction

۵. «گندمو کی می‌خوره؟، گندم موش می‌خوره؟ موش را کی می‌خوره؟ موش را گربه می‌خوره. موش و گربه...».

۶. گردآوری، و کیلیان سیداحمد: مثل‌ها و افسانه‌های ایرانی، تهران: سروش، ۱۳۷۷، ص ۳۱۲.

۷. همان، ص ۷۷.

۸. همان، ص ۴۱.

۹. همان، ص ۱۸۸.

۱۰. یا هو نا کل الحنته؟ اشتباه چاپی و صحیح آن «یا هو یا کل الحنته؟» است.

در تصویر دهم، پیف تنها عنصر موجود در زنجیره را می‌بینیم. در این نمایش عروسکی، بز از بالای صفحه، یعنی کادر کتاب در حال خارج شدن است و به همین دلیل، پاهایش و سایه آن برای یادآوری به مخاطب باقی‌مانده است. عروسک مخاطب حالش خراب است و گیاهان آسیب دیده‌اند. فضای زمینه، هماهنگ با حرکت قصه، تیره شده است و نمادهایی از آلودگی (مثلاً باکتری‌ها) بر سطح پخش شده‌اند.

تصویر یازدهم، هماهنگ با متن، بیانگر آثار آلودگی بر خوراک انسان، یعنی گندم است. در این تصویر، رنگ‌های سرد نیز فضای آلوده را تعریف می‌کنند. تصویر دوازدهم نیز به تصویر مصرف-کنندگان گروه اول، یعنی مرغ پرداخته است.

تصویر سیزدهم، تجریدی از چرخه حیات

است. تصویرگر با ترکیب عناصر تصویری در شکلی مدور (روی جلد و آخرین تصویر)، مضمون حرکت آلاینده در چرخه حیات و به عبارتی در زنجیره غذایی و وابستگی این عناصر به هم را به تصویر کشیده است. به نظر می‌رسد که در بیان تصویری چرخه حیات، اگر از کنتراست محو و واضح استفاده می‌شد، تصویر از کیفیت بهتری برخوردار می‌شد. زیرا این شیء کلاژ شده، آن چنان از هویت اصلی خود، به عنوان یک شیء موجود در خانه، جدا نشده است.

تصویرگر با استفاده از رنگ‌های گرم و سرد، خط روایت قصه را تصویر کرده است. با ورود آلاینده به آب، شادابی از عناصر هستی دور می‌شود. در ابتدای کتاب، رنگ‌های گرم و شاد، نشانگر زندگی‌اند. در حالی که در پایان کتاب، این رنگ‌های گرم به رنگ‌های سرد بدل می‌شوند و